

گاهی اوقات به مشکل می‌خوریم و به جای اینکه ثواب کنیم کباب می‌شویم. می‌آییم اسلام را زنده کنیم بدتر فراگیر را از دین زده می‌کنیم.

گاهی اوقات بچه‌ها کاری می‌کنند که منظورشان آن نیست که ما برداشت می‌کنیم که اگر با مشخصات فراگیر آشنا باشیم بهتر می‌توانیم به تربیت فراگیر پردازیم.

مشخصات نوجوانی

عاطفه

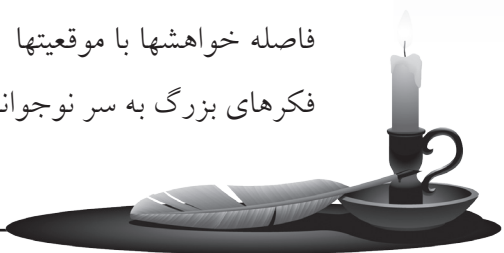
بچه‌ها می‌آید جلسه فقط برای بودن در یک جمع با محوریت عاطفه نه اینکه آمده از اول و آخر دین را بفهمد او دنبال یک رابطه دوستی و محبت است پس مبنای جلسه عاطفه و محبت شاگرد به شماست.

استقلال طلبی

بعضی خانواده‌ها می‌فهمند که بچه در دوران راهنمایی می‌خواهد مستقل شود لذا شما را جایگزین خانواده می‌کند. آن خانواده‌هایی که نمی‌فهمند بچه‌ها را از جلسه دور می‌کنند و این شاید خود باعث یک میل کاذب در فراگیر به جلسه شود.

فاصله خواهشها با موقعیتها

فکرهای بزرگ به سر نوجوانان می‌زند و چون باور نمی‌شود از طرف





جامعه ادای بزرگترها را درمی آورند از نماز شب گرفته تا دعوا و لات بازی.

پرخاشگری

در سنین نوجوانی رخ می دهد که از ۱۲ الی ۱۳ شروع تا ۱۸ سالگی طول می کشد.

ریشه های عدم تعادل در جمع فراگیران

نوجوان درک نمی شود لذا با بروز اعمالی دیگر به بروز خود می پردازد.

آنهایی که درک نمی شوند :

۱- پرخاشگر می شوند: در جلسه دعوا راه می اندازد چون مطالعه نکرده

۲- مکانیسم جبران: فرد دچار بحران هویت در جلسه است لذا کار فوق العاده انجام می دهد

۳- مکانیسم انطباق: با قوی ترها دوست می شود

۴- دلیل تراشی: معلم مرا دوست ندارد، بچه ها مرا قبول ندارند این در مواردی پیش می آید که فرد موقعیت خود را پیدا نکرده باشد.

۵- فرافکنی: تمام ناملایمات را به گردن دیگران می اندازد

۶- منفی بافی



۷- کناره گیری

۸- پناه بردن به بیماری: نمونه اش دل دردهای الکی در اردوها برای خلوت کردن و جلب توجه مربی

۹- وقتی برنامه ای انجام می شود باید ارزیابی شود که آیا همه موارد مفید برای همه کس است و همه شرکت دارند؟ اگر این نباشد این جلسه رو به افول می رود و غیبت هایش زیاد می شود. کمروها باید بهتر دیده شوند و ابتدا صحبت کنند و تشویق کند.

خلأ عاطفی موجب طغیان است. راه اردوی مشهد یک موقعیت طلایی برای صحبت و فیدبک گرفتن از فراگیر است و توجه به او همیشه خوش چهره ها و خوش زبان ها نباید کانون توجه باشند این یک آفت است.

فاصله خواشها و موقعیت ها

یک بها دادن به نوجوان که گویی بزرگ است که خود باعث بروز رفتار بزرگانه می شود. مثلاً بگویند که این بحثها از سن شما بالاتر است اما چون شما فهمتان بیشتر است بنده مطرح می کنم با این گویش فراگیر انگیزه اش بیشتر می شود و جذب بحث می شود. شخصیت دادن به فراگیران.

* تشویق بهتر از تنبیه





تغییر یا تثبیت هویت برای یک نوجوان

اگر این تعریف شکل نگیرد خیال اعمال غیر معمول به سر او نمی زند. یک تعریف فراگیر از خودش. هویت اوست که اعمال او را تحت شعاع قرار می دهد باید برای اصلاح اعمال هویت را تغییر داد مثلاً تیپ برداشتن از یک لات.

هویت فرد، عمل فرد، ورود به جلسه، عکس العمل از جلسه، هویت

فرد

این یک سیکل است که در آخر آن اگر عکس العمل از جلسه خیلی زیاد باشد که البته امکان دارد از طرف خانواده هم باشد به جایی می رسد که فرد دچار مکانیسم انقطاع می شود و از جلسه می برد این در حالی رخ می دهد که اختلاف زیادی بین جلسه و هویت اولیه فرد باشد. اگر به فرد یک هویت با دید کریمانه و تکریم بدهیم که او را بالا ببریم انگیزه ای ست برای تغییر و بالا رفتن از حد پایینی ست که الان در آن است.

خود آینه سانی: یک سری افراد برای انسان آینه می شوند که عمل را به آن می دهیم و عکس العمل می گیریم و می فهمیم که درست است یا نه. مربی اگر این آینه شد که از طرف محبت هم شکل می گیرد بسیار



خوب است. [باید یک مربی آینه شود همان سرمربی] این آینه باید ترقی کند و مربی به فرد الگو بدهد نه اینکه همیشه او آینه بماند چون مربی همیشه نمی تواند بماند. پس باید آینه را به الگوهای بهتری ارتقا داد مثل قرآن و اهل بیت.

عاطفه در جلسه

بعضی بچه در جلسه گاهی اوقات خیلی پر نشاطند و شاد مربی می تواند وقت را به آنها بدهد و بحث اصلی را پی نگیرد که البته این نظریه را تا آخر راهنمایی فقط عمل کنید.

هرقدر عاطفه بیشتر بود باید دستور داد مثلاً گفت که فلان کار را با تأکید انجام ده این در حالی ست که محبوبیت باشد اگر نبود دستور هم ندهید.

دعا در جلسه

جمله ای از آقای معتمدی همیشه برایم سرمشق است که اگر دعا نداشتی جلسه را تعطیل کن
خیلی از شناساندن هویت فرد از طریق همان دعا است مثلاً فراگیر یاد می گیرد که چه طور با خدا حرف بزند و گریه کند.

قانون بقای جلسه

خیلی ها همچون ویروس و عامل مرض هستند که اینان باید حتماً





خط بخورند چون باعث افت جلسه می شوند. مانند افرادی که خلاف کارند نه شیطون. نحوه برخورد هم حتماً نباید خصوصی باشد می توان در جمع عذر او را خواست و او را خط زد که شاید باعث یک تکان خوردنی هم باشد در جمع.

دوستی های افراطی

کوچک، هم سن

کوچک، بزرگ

بزرگ، کوچک

که بیشتر در دبیرستان است نه در راهنمایی. در شکل اول که بی درد سرتین است اگر اولی را خط زدی دومی هم خط می خورد. کوچک به بزرگ که خیلی خطرناک است و بچه هر کاری که مربی بگوید می کند.

بزرگ به کوچک که ممکن است در اثر این رابطه بقیه بچه ها از جلسه بروند و جلسه اصلاً منهدم شود.

دنبال بچه ها نباید دوید

هرچه بیشتر مربی بدود امکان دارد مربی بیشتر فرار کند و اصلاً دور شود.



الگو ایجاد کردن

آقای حسن بنیانیان در یک سمینار در دانشگاه شریف که می گفتند در تشیع جنازه شهید خرازی یک نفر خیلی گریه می کرد پرسیدند چرا گفت گریه می کنم چون با یک سیلی از این شهید آن دنیا بهشتی خواهم شد. یعنی الگو قرار دادن شهدا و دعا و اهل بیت لازمه این است که لذت این ارتباط را مملوس کنید و به آنها بچشانید.

استارت جلسه

بنده در شهرک غرب خواستم یک جلسه دائر کنم که اردوی تابستانی هم با آنها از طریق مسجد هم رفتیم. بعد از مدتی یک محفل شکل گرفت و من سوال کردم که از قهرمانان مثلاً ورزش و هنر چه کسانی را می شناسید و بعد از تعریف آنها از جنگ و شهید همت پرسیدم. به آنها فهماندم که ما داریم از هویتمان بر اثر تهاجمات فرهنگی داریم دور می شویم پس باید دینمان را بشناسیم و به یک هویت برسیم. این یک استارت قوی است که بچه می فهمد کجا آمده و در کنار و حاشیه آن مثلاً فوتبال داشتن خوب است اما برعکس آن یک کار پر زحمت و شاید بدون ثمر باشد.

تعصب و غیرت

سعی کنیم که بچه ها را جهانی بار بیاوریم که بخواهد دنیا را تکان





بدهد.

سوالات

بچه از حد خود سوالات بالاتری را مطرح می کند؟
فرصت خوب برای بها دادن به بچه که خودت تحقیق کن و بیار
اطلاع از روابط در خانه فراگیر آیا مهم است؟
باید اطلاع داشت زیرا بین یک بچه ای که مثلاً کتک خورده است در
خانواده و عادت دارد تنبیه برایش جایز است اما اگر اطلاع نداشته باشید
که در ناز و نعمت بار آمده و او را تنبیه کنید از جلسه می برد. در مورد
مشاوره تحصیلی هم باید حواسمان جمع باشد و بدون تفاوت نباشید.
در آخر اصلاً نمی شود فرد را بدون خانواده در نظر گرفت.
آیا مربی حق دارد فراگیرانی با خصوصیات خود بسازد؟
خواسته یا ناخواسته فراگیر خصوصیات مربی را به خود می گیرد ولی
اعمال و اخلاق بد مربی را می توان با شخصیت مکمل (کمک مربی)
پوشاند. شخصیت مکمل در این موارد بسیار خوب است برای اینکه
بچه بهتر و کامل تر می تواند رشد کند و مربی مکمل نیز تذکر می دهد.

